

بررسی هوش هیجانی و عزت نفس و رشد اجتماعی و تاثیر این موارد بر روند تحصیل دانش آموزان

هومن محمدی

دکتری حقوق / جزا و جرم شناسی موسسه آموزش عال آریو برزن زیر مجموعه دانشگاه شیراز

hmhdi5454@gmail.com

چکیده

وقتی سخن از عزت نفس به میان می‌آید ارزش شخصی یا احساسی که از فرد در نظر اعضای گروه مجسم می‌شود مطرح می‌گردد. یکی از پیچیده‌ترین و ناراحت کننده‌ترین مسائل شخصیتی عقده حقارت است. کودکانی که احساس بی‌لیاقتی و عقب‌ماندگی می‌کنند کمتر برای موفقیت و انجام دادن کارها به تلاش و کوشش دست می‌زنند. رشد سالم شخصیت ایجاب می‌کند که شخص نه فقط برای شناخت خود، بلکه بیشتر برای پذیرش خود فعالیت کند. هوش هیجانی شامل ظرفیت فرد برای قبول واقعیات، انعطاف‌پذیری، توانایی حل مشکلات هیجانی، توانایی مقابله با استرس و تکانه‌ها می‌شود. دانش‌آموزانی که رشد اجتماعی آن‌ها دچار مشکل می‌شود با مسائل و مشکلات عدیده‌ای روبرو خواهند شد. لذا انجام چنین تحقیقی ضروری به نظر می‌رسد تا از طریق آن بتوان به صورت علمی جنبه‌های مختلف رشد اجتماعی را مشخص کرده و نیز علل و عوامل مهم و تأثیرگذار بر آن را روشن نمود. به همین جهت ارزیابی رشد و بلوغ اجتماعی و بررسی مهارت‌ها و راه‌های رشد اجتماعی دانش‌آموزان امری ضروری است.

واژه‌های کلیدی

هوش هیجانی، عزت نفس، رشد اجتماعی، دانش آموزان

مقدمه

عزت نفس است برخورداری از اراده و اعتماد به نفس قوی، قدرت تصمیم‌گیری و ابتکار، خلاقیت، سلامت فکر و بهداشت روانی ارتباط مستقیمی با میزان عزت نفس و احساس خود ارزشمندی دارد. منظور از عزت نفس، احساس و تصویری است که فرد به مرور زمان نسبت به خویشتن در ذهن می‌پروراند. به عبارت ساده‌تر، عزت نفس یعنی، ارزیابی فرد از خودش، حال این برداشت و ارزیابی می‌تواند مثبت و خوشایند باشد، یا منفی و ناخوشایند. کودکانی که از عزت نفس بالایی برخوردارند، معمولاً احساس خوبی نسبت به خود دارند و بهتر می‌توانند اختلافات خود را با سایر کودکان حل کنند و در مقابله با مشکلات، ناملایمات و ناکامی‌ها مقاوم‌ترند این کودکان اغلب خنده‌رو و خوش‌بین، منطقی و دارای خودپنداری مثبت هستند و از زندگیشان لذت می‌برند. برعکس، کودکانی که دارای عزت نفس پائینی هستند، اغلب در مواجهه با مشکلات و سختی‌ها دچار اضطراب فراوان و ناکامی می‌شوند. این گروه از کودکان معمولاً در حل تعارضات و اختلافات موجود با سایر هم سن و سالانشان مشکل دارند آن‌ها دائم با افکار انتقادی از خویشتن، موجب اذیت و آزار خود می‌شوند (سلحشور، ۱۳۷۹). برای اینکه کودکان و نوجوانان بتوانند از حداکثر ظرفیت ذهنی و توانمندی‌های بالقوه‌ی فرد برخوردار شوند می‌بایست از نگرش مثبت نسبت به فرد و محیط اطراف و انگیزه‌ای غنی برای تلاش و کوشش بهره‌مند شوند بی‌شک نوجوانانی که دارای عزت نفس قابل توجهی هستند، نسبت به همسالان خود در شرایط مشابه، پیشرفت تحصیلی و کارآیی بیشتری از خود نشان می‌دهند و نیز از بارزترین ویژگی‌های صاحبان تفکر واگرا و افراد خلاق، داشتن اعتماد به نفس و عزت نفس بالاست. لذا پرورش عزت نفس در کودکان و نوجوانان از مهم‌ترین وظایف اولیاء و مربیان می‌باشد که در این ارتباط بیشترین نقش برعهده‌ی الگوهای رفتاری است (افروز، ۱۳۷۳). موفقیت‌های تحصیلی و شکست‌های تحصیلی فرد در مدرسه و مسائل مربوط به تحصیل متقابلاً بر عزت نفس و عزت نفس بر تحصیل تأثیر می‌گذارند که میزان تأثیر آن از جامعه‌ای به جامعه دیگر فرق می‌کند. عزت نفس، احساس ارزش، درجه تصویب تأیید، پذیرش و ارزشمندی است که شخص نسبت به خویشتن احساس می‌کند (شاملو، ۱۳۷۲). وقتی سخن از عزت نفس به میان می‌آید ارزش شخصی یا احساسی که از فرد در نظر اعضای گروه مجسم می‌شود مطرح می‌گردد. یکی از پیچیده‌ترین و ناراحت‌کننده‌ترین مسائل شخصیتی عقده حقارت است. کودکانی که احساس بی‌لیاقتی و عقب‌ماندگی می‌کنند کمتر برای موفقیت و انجام دادن کارها به تلاش و کوشش دست می‌زنند. رشد سالم شخصیت ایجاب می‌کند که شخص نه فقط برای شناخت خود، بلکه بیشتر برای پذیرش خود فعالیت کند پژوهش‌های ارزشمندی درباره‌ی ارتباط خودشناسی فرد در رابطه با رشد سالم و سازگاری‌های شخصیتی افراد انجام گرفته و نتایج مثبت و سودمندی به بار آورده است (پارسا، ۱۳۷۶). در زمینه رابطه‌ی بین احساس ارزشمندی و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی، نظر مربیان و اساتید و متخصصان تعلیم و تربیت بر این است که عوامل روحی و روانی تأثیر بسیار بالایی در موفقیت یا عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دارد پژوهش‌های زیادی در زمینه پی بردن به رابطه عزت نفس و پیشرفت تحصیلی صورت گرفته است. گسترده‌ترین این تحقیقات پژوهشی است که به وسیله گیل دات انجام شده نتایج تحقیق مؤید رابطه بالا بین انگیزه پیشرفت و عزت نفس است. یکی دیگر از این پژوهش‌ها در زمینه‌ی عزت نفس یافته‌های کوپر اسمیت است که در سال ۱۹۶۷ منتشر شد. به نظر کوپر اسمیت منابع عزت نفس شامل موارد ذیل‌اند: مهم بودن: وقتی شخص متوجه گردد که اهمیت دارد و در زندگی دیگران مهم است عزت نفس او بالا می‌رود. قدرت: وقتی شخص احساس قدرت کند، در نتیجه می‌تواند روی سایرین اثر گذاشته و متعاقباً عزت نفس او بالا می‌رود. داشتن عزت نفس برای یک زندگی موفقیت‌آمیز لازم است بنابراین باید به تقویت آن در بین دانش‌آموزان پرداخت. از آنجا که عزت نفس کودک زمینه و اساس ادراکات وی از تجارب زندگی را مهیا نماید، امری ارزشمند محسوب می‌گردد شایستگی عاطفی-اجتماعی که از چنین شناخت مثبت از خود ناشی می‌شود، می‌تواند به عنوان نیرویی در مقابل مشکلات جدی آینده به کودک کمک کند. عزت نفس جنبه مهمی از عملکرد و کشش کلی کودک است و به نظر می‌رسد به صورت تعاملی با زمینه‌های دیگری از جمله سلامت روانی و عملکرد تحصیلی ارتباط دارد به این معنی که عزت نفس می‌تواند علت و هم معلول نوعی از عملکرد باشد که در سایر حوزه‌ها رخ می‌دهد (پپ و همکاران، ۱۹۸۸). در بحث از اهمیت و ضرورت موضوع می‌توان به آیات قرآن و احادیث مراجعه نمود. خداوند در سوره فاطر آیه ده می‌فرماید: «هر که طالب عزت است بداند که تحکم و عزت خاص خدا است، کلمه نیکوی توحید و (روح پاک آسمانی) به سوی خدا بالا رود و عمل نیک خالص آن را بالا برد». و در سوره منافقون آیه هشتم آمده است که: «عزت خاص خدا و رسول و مؤمنین است». پیامبر گرامی اسلام در این باره فرموده است: «زندگی

که در آن انسان زیردست و خوار باشد مردن از آن بهتر است و مردنی که با پیروزی مقرون باشد، صدهزار بار بر زندگی ذلت‌بار ترجیح دارد.» همچنین پیامبر گرامی می‌فرمایند: کسی که نفس خود را شناخت به یقین خدا را شناخته است حضرت علی (ع) می‌فرمایند: خویش‌شناسی سودمندترین دانش‌هاست. مازلو عزت نفس را عبارت می‌داند از شایستگی، توانمندی، کفایت، اطمینان، استقلال و آزادی. چنانچه ارضاء گردد فرد احساس ارزشمند بودن، توانا بودن، مثمر به ثمر بودن و احساس غرور و اعتماد به خود می‌کند و اگر ارضاء نگردد فرد احساس حقارت، درماندگی و ضعف می‌کند (مدی، ۱۹۷۶). راجرز عزت نفس را عبارت می‌داند از ارزیابی مداوم شخص نسبت به ارزشمندی خویش‌شناسی خود (شاملو، ۱۳۶۸). روزنبرگ می‌گوید: هر فرد آگاهی‌هایی در مورد خود دارد، بخش ارزشی این آگاهی‌ها عزت نفس نام دارد رابسون عزت نفس را عبارت می‌داند از حس رضامندی، خویش‌شناسی پذیرایی که ارزیابی خود درباره ارزشمندی قدر و منزلت، جذابیت، شایستگی و کفایت و توانایی جهت ارضای تمایلات و خواسته‌های فرد، منتج می‌شود. مؤلفه‌های عزت نفس عبارتند از: ۱- امنیت ۲- خودپذیری ۳- پیوندجویی ۴- تعهد ۵- شایستگی. هوش هیجانی، جدیدترین تحول در زمینه فهم رابطه میان تعقل و هیجان است و از آن به عنوان ماشه‌چکان انقلاب بزرگ در زمینه ارتقا بهداشت روانی یاد می‌شود. در واقع مفهوم هوش هیجانی، یک‌حیطه‌چندعاملی از مجموعه مهارت‌ها و صلاحیت‌های اجتماعی است که توانایی‌های فرد برای تشخیص درک و مدیریت هیجان، حل مسأله و سازگاری تأثیر می‌گذارد و به طرز موثری فرد را با نیازها، فشارها و چالش‌های زندگی سازگار می‌کند (بار- ان، ۲۰۰۶). به‌نظر گل‌من ۲، هوش هیجانی هم شامل عناصر درونی است و هم بیرونی. عناصر درونی شامل میزان خودآگاهی، خودنگاره، احساس استقلال و ظرفیت، خودشکوفایی و قاطعیت می‌باشد. عناصر بیرونی شامل روابط بین فردی، سهولت درهمدلی و احساس مسئولیت می‌شود. هوش هیجانی شامل ظرفیت فرد برای قبول واقعیات، انعطاف‌پذیری، توانایی حل مشکلات هیجانی، توانایی مقابله با استرس و تکنه‌ها می‌شود (گل‌من، ۱۹۹۵). هوش معنوی مستلزم توانایی‌هایی است که از چنین موضوعات معنوی برای تطابق و کنش اثربخشی دو پیامد بالارزش استفاده می‌کند (امونز، ۲۰۰۰). گاردنر (۱۹۹۹) به وجود مسایل وجودی و موضوعات مربوط به معنا و ارزش در هوش معنوی اشاره می‌کند و معتقد است تنها جنبه‌ای از معنویت که به‌نظر می‌رسد با هوش مرتبط است، علاقه نسبت به شناخت ماهیت جهان و موقعیت فرد در آن می‌باشد. ایمونز تلاش کرد معنویت را براساس تعریف گاردنر از هوش در چارچوب هوش مطرح نماید. وی معتقد است معنویت می‌تواند شکلی از هوش تلقی شود زیرا عملکرد و سازگاری فرد را پیش‌بینی می‌کند و قابلیت‌هایی را مطرح می‌کند که افراد را قادر می‌سازد از دیگر روش‌ها با معنا و هدفمندتر است هوش مفهومی است که از دیرباز، آدمی به پژوهش و تفحص در مورد ابعاد، تظاهرات، ویژگی‌ها و انواع آن علاقه‌مند بوده است. هوش، پیامدها و رخدادهای در جنبه‌های مختلف زندگی هدایت کرده است. تصمیمات زیادی براساس ظرفیت‌ها و قابلیت‌های عقلانی به‌منظور ارائه فرصت‌ها و راهنمایی‌ها به کودکان اعمال می‌شود و متعاقباً قضاوت در مورد هوش، تعیین‌کننده موفقیت‌ها و شکست‌های فرد می‌باشد. از طرفی، از نظر تاریخی همواره تأکید بر شناسایی و مفید به‌نظر می‌رسد و مطالعه آن در فهم پایه و اساس رفتار بشر امری حیاتی محسوب می‌شود (جاچیدویس، ۲۰۰۸). هوش برخلاف قد و وزن و سن قابل مشاهده و اندازه‌گیری نیست. ما هوش را فقط به صورت غیرمستقیم، با مطالعه و مقایسه اعمال هوشمندانه افراد می‌توانیم ارزیابی کنیم (سانتراک، ۲۰۰۳). یکی از عوامل مهمی که موجب تفاوت‌هایی در تعریف هوش و نحوه توری که آمرام (۲۰۰۹) رابطه‌ای ن‌معنویت، هدف، رضایت از زندگی، سلامتی و بهزیستی ارائه می‌دهد. بحث‌های اخیر درباره این موضوع حیطه‌های جدیدی از تحلیل را ایجاد کرده‌است. قابلیت‌هایی که می‌تواند دیدگاه جدیدی را در مورد بهزیستی افراد ارائه کند، حائز اهمیت است، به‌آنچه که همه این رویکردهای جدید نشان می‌دهند این است که معنویت یک جزء ضروری (رکن اساسی) انسان بودن است و تمایل انسانها به یافتن معنایی در این واقعیت که فناپذیر هستند، در ساختارهای آناتومیک مغز آنها ریشه دارد. یک فرض زیربنایی برای این دیدگاه‌های ارگانیک این ایده است که معنویت تجربه‌ای جهانی است با وجود آن که اعمال و آیین‌های مذهبی و دیدگاهها نسبت به خدا ممکن است در بین فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشد (لیچ، ۳ و همکاران، ۲۰۰۱ به نقل از ضیغمی، ۱۳۸۹). به‌نظر می‌رسد که ماهیت مؤلفه‌ها و نحوه ابراز هوش معنوی نیز تحت‌تأثیر عوامل فرهنگی باشند. با توجه به تفاوت‌های افراد در ویژگی‌های شخصیتی، علایق معنوی، زمینه‌ها و اعمال معنوی (مذهبی)، مهارت‌ها و ظرفیت‌های وابسته به هوش نیز به‌نظر متفاوت می‌رسند. این در حالی است که هوش معنوی ممکن است به عنوان یک ویژگی آشکار و بارز جهانی دیده شود که به‌طور بالقوه در همه گروه‌های مذهبی نمایان می‌شود، این احتمال وجود دارد که معنا و نحوه ابراز آن در بین گروه‌ها و بافت‌های مذهبی و معنوی مختلف متفاوت باشند (ایمونز، ۱، ۱۹۹۹). تیسدل (۲۰۰۳) ادعا می‌کند معنویت بخش مهمی از فرایند معنادار ساختن به‌طور بلافصل در زمینه و متن

فرهنگ نمود می‌یابد. تیسدل یک محیط اجتماعی آموزشی را می‌سازد که هم تفاوت‌های فرهنگی و هم تجربه بشری در آن به عنوان یک تلاش معنوی مرتبط برای ما با ساختارهای اخلاقی و قضاوت‌های معنوی است (به نقل از هاوارد و وایت، ۲۰۰۹). توصیف جدید علمی و کارآمد مغز به صورت سه نوع ساختار معمول عینی، ذهنی، عاطفی و معنوی است. وقتی با مغز خود فکر می‌کنیم تفکر ما فقط مربوط به مغز و بهره هوش کلاسیک نمی‌شود، بلکه احساسات جسم یعنی هوش عاطفی و هم‌چنین معنویات، ارزشها، امیدها و پیوستگی حس معناداری و ارزش یعنی هوش معنوی، را شامل می‌شود. هوش معنوی به معنای داشتن جهت در زندگی، توانایی بهبود بخشیدن به تمام خشونت‌ها و تنفرهاست. یعنی درباره وجود خودمان به عنوان بیانی واقعی‌تر تفکر کنیم (سلمن ۲ و همکاران ۲۰۰۵) همانگونه که هوش هیجانی مثل هیجان نیست، هوش معنوی هم مثل معنویت نیست هوش معنوی سازه‌های معنویت و هوش را درون یک سازه جدید ترکیب می‌کند دانش آموزان به عنوان منابع معنوی جامعه و آینده سازان کشور، نیروهای برگزیده از نظر استعداد، خلاقیت و پشتکار هستند و لازمه پیشرفت تحصیلی و زندگی موفقیت آمیز آنان برخورداری از آرامش و امنیت خاطر در کلیه ابعاد است. به عبارتی، جامعه و به طور ویژه مدرسه، نسبت به سرنوشت، رشد و تکامل موفقیت آمیز و جایگاه فرد در جامعه، مسئول است. یکی از ملاک‌های کارایی نظام آموزشی در مدرسه میزان پیشرفت تحصیلی و افت تحصیلی می‌باشد. مساله موفقیت یا فقدان موفقیت در امر تحصیل از مهم ترین دغدغه های هر نظام آموزشی در تمامی جوامع می‌باشد، به طوریکه موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان هر جامعه نشان دهنده موفقیت نظام آموزشی در زمینه اهداف آموزشی میباشد (صفاری، ۱۳۹۳). که این مهم نشان از اهمیت پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در روند توسعه کشورها دارد. بنابراین، عوامل درون و برون فردی می‌توانند بر روی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیرگذار باشند. یکی از عوامل درون فردی، هوش می‌باشد. هوش یکی از مهمترین تفاوت‌های فردی در بین افراد جامعه است و این امر از سالها پیش مورد توجه آدمی بوده است. هر چند که این مطالعات بیشتر بر جنبه شناختی هوش، همانند حافظه، حل مسئله و تفکر تأکید داشته‌اند اما امروزه محققان بر جنبه های غیرشناختی هوش همچون هیجان، اجتماعی و معنویت توجه بیشتری دارند. به عبارتی این جنبه‌ها می‌توانند موفقیت افراد را در زندگی پیش بینی کنند (مومنی، ۱۳۹۲). آرام (۲۰۰۹) معتقد است که هوش معنوی شامل حس معنا، هدف و تقدس در زندگی و خوش بینی نسبت به بهبود شرایط دنیاست. فردی با هوش معنوی بالا دارای انعطاف، خودآگاهی، ظرفیتی برای الهام و شهود، دیدگاه کل به جهان هستی است که در جستجوی پاسخ برای پرسشهای بنیادی زندگی و نقد سنتها و آداب و رسوم است که این مهم می‌تواند بر روی شادکامی افراد نیز تأثیرگذار باشد. روانشناسی مثبت به عنوان روی آوردی تازه در روانشناسی، با بررسی بهزیستی روانی، شادکامی و سلامت روانی، هیجان های مثبت، ویژگی های شخصیتی مثبت و نهادهای سالم همچون خانواده را مدنظر قرار می‌دهد. یکی از مهمترین هیجان های مثبت که افزایش آگاهی فرد نسبت به شرایط جسمانی و محیطی را در پی دارد؛ شادکامی است (بردبار، ۱۳۸۷). از نظر سیلیگمن (۲۰۰۲) احساس شادکامی به عنوان یک پدیده هیجانی مثبت برای انسان ضروری است و به زندگی فرد معنا می‌بخشد (فلچر، ۲۰۰۵). دینر وینر (۲۰۰۷) طی مطالعه ای به این نتیجه رسیده اند که سطوح بالای شادکامی با نتایج سلامت بهتر در ارتباط می‌باشد. گریفن (۲۰۰۸) نیز طی مطالعه خود به این نتیجه رسیده اند که دسترسی به آموزش رسمی و سلامت از عوامل پیش بین کننده شادکامی می‌باشند. علاوه بر این، بکرتس (۲۰۱۰) در مطالعه خود به این نتیجه رسیده اند که رابطه منفی و معنی داری بین هوش معنوی و علائم افسردگی وجود دارد. همچنین جعفری (۱۳۹۳) نیز در مطالعات خود به این نتیجه رسید که هوش معنوی بر کیفیت زندگی افراد تأثیر معنی داری دارد هوش هیجانی، جدیدترین تحول در زمینه فهم رابطه میان تعقل و هیجان است و از آن به عنوان ماشه‌چکان انقلاب بزرگ در زمینه ارتقا بهداشت روانی یاد می‌شود. در واقع مفهوم هوش هیجانی، یک‌حیطه‌چندعاملی از مجموعه مهارتها و صلاحیت‌های اجتماعی است که توانایی‌های فرد برای تشخیص درک و مدیریت هیجان، حل مساله و سازگاری تأثیر می‌گذارد و به طرز موثری فرد را با نیازها، فشارها و چالش‌های زندگی سازگار می‌کند (بار-ان، ۲۰۰۶). به‌نظر گلمن، هوش هیجانی هم شامل عناصر درونی است و هم بیرونی. عناصر درونی شامل میزان خودآگاهی، خودآنگاره، احساس استقلال و ظرفیت، خودشکوفایی و قاطعیت می‌باشد. عناصر بیرونی شامل روابط بین فردی، سهولت درهمدلی و احساس مسئولیت می‌شود. هوش هیجانی شامل ظرفیت فرد برای قبول واقعیات، انعطاف‌پذیری، توانایی حل مشکلات هیجانی، توانایی مقابله با استرس و تکان‌ها می‌شود (گلمن، ۱۹۹۵). از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۹۰ علاقه به پژوهش در زمینه هوش اجتماعی، دستخوش تحولی بوده است و دیدگاه‌های مختلفی به‌وجود آمده‌اند که هوش اجتماعی را به‌عنوان توانایی ارتباط با دیگران (موس و هانت، ۱۹۲۷)، دانش میان فردی (استرانگ، ۴، ۱۹۳۰)، توانایی قضاوت درست درباره احساسات، خلق‌ها و انگیزه‌های دیگران (ویدک، ۱۹۴۷)، عملکرد

اجتماعی موثر (هدلی و مارلو، ۱۹۸۶) و مهارت رمزگشایی نمادهای غیرکلامی (بارنز و استرنبرگ، ۱۹۸۹) تعریف کرده اند (اسماعیلی، ۱۳۸۳). رشد اخلاقی که با رشد اجتماعی ارتباط نزدیکی دارد برای ادامه زندگی سالم و زنده لازم است. صفات اخلاقی مطلوب که اکتسابی هستند اجتناب از کارهای ناپسند و انجام اعمال شایسته از جمله بی ربایی، امانتداری، درستکاری، حق طلبی، عزت نفس، پذیرش مسئولیت را شامل هستند. (دکتر شفیع آبادی، عبدالله، ۱۳۷۳). در رابطه با رشد اجتماع، وایلند که از نظریه پردازان رشد اجتماعی اعتقاد دارد که خانواده سهم بسزایی در رشد اجتماعی کودک بر عهده دارد و هنگامی که شبکه خانواده در فرآیند اجتماعی که در آن کودک با مشکل روبرو می شود در نتیجه کودک در مراحل پیش اجتماعی باقی می ماند و حتی در مراحل نوجوانی به سطح رشد اجتماعی مطلوب نمی رسد. شیوه فرزند پروری خانواده ها با هم متفاوت است، والدین مقتدرانه اجتماعی و والدین سخت گیر فرزندان اجتماعی و گوشه گیر دارند. پدیده اجتماعی شدن کودکان با موفقیت تحصیلی آنها رابطه زیادی دارد. کودکانی که از لحاظ اجتماعی رشد نکرده اند حتی در زمان بزرگسالی نیز انسان خود مختار و مسؤلی نمی شوند. این پیامدها باعث شده که افراد زیادی به فکر حل کردن این مسأله برآیند و طی پژوهشهایی هر چند ناکافی به حل این مشکل کمک کنند. پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و عوامل تأثیرگذار بر آن موضوع بسیار مهمی است که بخش عمده ای از پژوهش های علوم تربیتی را به خود اختصاص داده است. نوع دیگری از رشد است که آن از رشد ذهنی هم دشوارتر است که آن رشد اجتماعی است، شما وقتی از نظر اجتماعی رشد یافته محسوب می شوید که در این زمینه کاملاً به شکوفایی رسیده باشید یعنی به سطحی از مهارت در روابط اجتماعی دست یافته باشید که بتوانید با مردم به راحتی زندگی کنید و سازگاری داشته باشید. رشد اجتماعی حداقل رشد عاطفی اتکاء به خویشتن، تصویر مثبتی از خویشتن و توانایی همکاری و تأمل با دیگران را رشد اجتماعی گویند. شاید بتوان گفت که رشد اجتماعی مهمترین جنبه رشد وجود هر شخص است. معیار اندازه گیری رشد اجتماعی هر کس میزان سازگاری او با دیگران است. این دیگران شامل همه است، از دوستان، معلمان، افراد خانواده و بستگان شما گرفته تا همسایه ها ... حتی کسانی که برای اولین بار با آنها برخورد می کنند. دون شک در دنیای پیشرفته امروزی یکی از علایم موفقیت فرد، پیشرفت تحصیلی می باشد که بدون آن توسعه و ترقی هیچ کشوری امکان پذیر نخواهد بود. ترقی هر کشوری رابطه مستقیم با پیشرفت علوم و دانش و تکنولوژی آن کشور دارد و پیشرفت علمی نیز حاصل نمی شود مگر اینکه افراد خلاق تربیت شده باشند، پیشرفت تحصیلی ضمن اینکه در توسعه و آبادانی کشور مؤثر است در سطوح عالی منجر به یافتن شغل و موقعیت مناسب و در نتیجه درآمد کافی می شود. دانش آموزان و دانشجویان که از موقعیتهای تحصیلی برخوردارند، خانواده و جامعه با دیده ی احترام به آنان می نگرند. در جامعه با روحیه و نشاط بیشتری حضور خواهند یافت و در کنار اینها از هزینه های گزافی که از افت تحصیلی برآموزش و پرورش تحمیل می شود، کاسته خواهند شد. دستیابی به بهره وری و بهبود کیفیت نظام آموزشی را می توان اثر گذار ترین عامل در توسعه کشور ها دانست. تجارب کشورهای پیشرفته ای چون ژاپن در زمینه توسعه همه جانبه نیز حکایت از سرمایه گذاری بر روی منابع آموزشی و انسانی دارد. در راستای دستیابی به این اهداف بهبود کیفیت موقعیت تحصیلی از جمله اهداف اساسی برنامه های آموزشی است. در حالی که امروزه افت تحصیلی یکی از نگرانی های خانواده ها و دست اندرکاران تعلیم و تربیت است. از جمله موضوعات مورد علاقه صاحب نظران علوم تربیتی یافتن شرایط و امکانات لازم و مؤثر در جهت تحصیلی موفق و پیشرفت تحصیلی است. اما عدم موفقیت در تحصیل زمینه ساز مشکلات فردی و اجتماعی و انحراف از دستیابی به اهداف سیستم آموزش است. محققین عوامل مختلفی را در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دخیل دانسته اند. اما با توجه به تفاوت های فرهنگی و تغییرات سریع عوامل در طول زمان نمی توان به عنوان یک قانون عمومی و کلی، علل خاصی را برای جوامع مطرح نمود. زیرا قوانین بافت فرهنگی و نسبت جامعه، نگرش مردم به تحصیلات، سطح درآمد والدین و غیره، همه از عواملی هستند که به طور اخص در یک جامعه بر شکست یا موفقیت تحصیلی تأثیر می گذارند. منابع موجود نشان می دهد که آموزش به طور کلی تحت تأثیر پنج عامل فراگیر آموزش گر، برنامه، تجهیزات و محیط آموزشی است که هر یک از عوامل مذکور دارای ویژگی هایی است که می توانند در پیشرفت تحصیلی و یادگیری تأثیرات متفاوتی داشته باشند (سیف، ۱۳۶۸). نظریه دیگر رشد و تکامل روانی اجتماعی اریکسون که روابط با والدین و همسالان را مطرح می کند و همچنین نظریه یادگیری که شامل نظریه یادگیری اجتماعی می باشد اشاره می کند که رفتار کودک عمدتاً آموخته است. والدین روی اکثر عوامل مؤثر در یادگیری دوران کودک کنترل دارند. راه و روش والدین در راهنمایی کودک از وابستگی به استقلال اهمیت دارد. کودکان اکثراً انواع رفتار را با همانند سازی و تقلید از والدین، سایر بزرگسالان یاد می گیرند و نقشی که والدین در کاهش سائتهای بیولوژیکی مانند احساس گرسنگی و تشنگی دارند شالوده و پیوند عاطفی بین کودک و مادر می گردد. (شعاری نژاد، ۱۳۷۲). کودکان از طریق مشاهده

دیگران می آموزند که جامعه از آنها به عنوان یک دختر و پسر چه انتظاراتی دارد و این اطلاعات را به نحو فعالانه ای جذب می کنند و آن را با اطلاعات دیگر که کسب کرده اند یکی می کنند تا مفاهیمی مناسب با جنسیت خود بسازند. آنان از منابع دیگر بغیر از والدینشان سایر بزرگسالان که می شناسند و آنهایی که از طریق وسائل ارتباط جمعی می شناسند. می آموزند، تلویزیون یکی از منابع مهمی است که کودکان از طریق آن می آموزند، زیرا ساعات زیادی را صرف تماشای آن می کنند و سیمای زنان و مردان در تلویزیون غالباً کلیشه ای است. زنان در تلویزیون غذا می پزند، نظافت می کنند و مردان پرخاشگر و ماجراجو و موفقند، البته گاهی از اینکه جامعه چه انتظاراتی از فرد دارد فقط یکی از عواملی است که در رفتار تأثیر می گذارد. ارجحیت و انتخاب های کودکان در مورد زندگی خودشان نیز بستگی دارد به ارزش اجتماعی و تقویتی که برای الگوهای رفتاری متفاوت فراهم است. کودک بتدریج در ارتباط با دیگران مهارت اجتماعی را کسب می کند. علیرقم دوره اول کودکی، که همبازی هایش نقش چندانی در زندگی کودک ندارند، در دوره پیش دبستانی، دوستان و هم بازی ها تأثیر بسزایی در رشد اجتماعی کودک دارند. کودک در رابطه با همبازی ها، از الگوهای رفتاری آموخته شده در خانواده تبعیت میکند. بر اثر آمیزش با همسالان کودک بتدریج پی می برد که برخی از آموخته های قبلی مناسب و مقبول نیستند و باید رفتار های دیگری جایگزین آنها شود. به نظر جورج مولی (1968) رشد اجتماعی فرایندی مدام است. در اثر رشد اجتماعی فرد کفایت اجتماعی بدست می آورد. وی رشد اجتماعی را در دو دوره تقسیم کرده است: الف) اجتماعی شدن: که در این روند جامعه تلاش می کند دستورات، قواعد و ارزشها را به کودک تفهیم نماید ب) فردیت داشتن: این روند به تلاش هایی اطلاق میشود که در آن کودک می کوشد با حفظ فردیت خودش کارهایی را انجام دهد که مورد پذیرش گروه قرار گیرد (مولی 1968). رحیمی، محمد، بررسی رابطه بین رشد اجتماعی با موفقیت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر مدارس راهنمایی دولتی و غیر انتفاعی شهر نجف آباد در سال تحصیلی (79 - 78) به راهنمایی قلی زاده، آذر، 28 شهریور، 1379. واحد خوراسگان در این پژوهش از میان کلیه دانش آموزان دختر و پسر شهر نجف آباد تعداد 300 دانش آموز با عنوان نمونه تحقیقی با استفاده از روش نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شده است ابزار اندازه گیری پژوهشی پرسشنامه رشد اجتماعی اسپیس وایتزمن و معیار پیشرفت تحصیلی دانش آموزان میانگین معدل سه ماهه اول و دوم آنها بوده است که اعتبار پرسشنامه بر اساس تنصیف 92٪ محاسبه گردیده است. روش تحقیق و تحلیل داده ها استفاده به عمل آمده است. نتایج بدست آمده پژوهش عبارت از: 1. رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر راهنمایی دولتی و غیر انتفاعی رابطه معنی دار وجود دارد. رشد اجتماعی دانش آموزان مدارس راهنمایی غیر انتفاعی بیش تر از دانش آموزان مدارس راهنمایی دولتی بوده است. همبستگی بین رشد اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مدارس راهنمایی غیر انتفاعی بوده است. وجود متغیرهایی مثل سطح تحصیلات والدین، رتبه تولد دانش آموزان و شاغل و غیر شاغل بودن مادر آنها به رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیر معنی دار داشته است. 2- تأثیر رشد اجتماعی در اضطراب، عزت نفس در دانش آموزان موفق و نا موفق مقطع متوسطه (پایه اول و دوم) شهرستان اندیمشک - پژوهشگر اکرم سروندی پس از انتخاب موضوع و ساختن فرضیه ها در کتاب های مختلف و در کتابخانه ها و همچنین در پایان نامه ها به دنبال پیشینه نظری و تجربی رفته و خلاصه آنها را در پژوهش گنجانده شده. سپس روش مورد نظر برای انجام پژوهش معین شد و پژوهشگر جامعه آماری و ابزار پژوهش خود را معین نمود که در این پژوهش با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده مورد انتخاب و آزمایش قرار گرفتند. میرناشور و جورج اسپیواک در مرکز بهداشت روان در فیلادلفیا چنین مطرح کردند که بسیاری از مشکلات مربوط به ناسازگاری رفتاری در کودکان با آن مواجه هستند احتمالاً تا حدودی نتیجه کمبود مهارتهای شناختی در حل مسائل بین فردی است. بدین معنا که کودکانی پرخاشگر یا تکانشی هستند یا از دیگران ترس بسیار دارند ممکن است مهارت های اساسی ادراک و کنار آمدن با روابط بین فردی را نداشته باشند (یاسایی، 1368). انسان موجودی اجتماعی است و برای اینکه بتواند به حیات خود در اجتماع ادامه دهد، باید با هموعان خود سازگاری و همنوایی داشته باشد. عدم سازگاری و همنوایی جوانان با سایر افراد جامعه بیشتر ناشی از عدم رشد یافتگی کامل اجتماعی آنهاست. این امر می تواند در دراز مدت شیرازه نظام اجتماعی را بر هم زند. داشتن روابط صحیح، سالم و مثبت با دیگران می تواند کلید رشد و کمال آدمی باشد. (خلیلی، 1379) دانش آموزانی که رشد اجتماعی آنها دچار مشکل می شود با مسائل و مشکلات عدیده ای روبرو خواهند شد. لذا انجام چنین تحقیقی ضروری به نظر می رسد تا از طریق آن بتوان به صورت علمی جنبه های مختلف رشد اجتماعی را مشخص کرده و نیز علل و عوامل مهم و تأثیرگذار بر آن را روشن نمود. به همین جهت ارزیابی رشد و بلوغ اجتماعی و بررسی مهارت ها و راه های رشد اجتماعی دانش آموزان امری ضروری است.

نتیجه گیری: توجه به عواملی که به پیشرفت تحصیلی منجر و مانع از افت آن میشود، اهمیت ویژه‌ای دارد. میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان شاخص مهمی برای فعالیتهای آموزشی و علمی است. پژوهشگران روانشناسی به دنبال پژوهشهای متعدد و بررسی جوانب مختلف پیشرفت تحصیلی، نظریات متفاوتی ارائه کرده‌اند. به نظر میرسد مدارس با طیف وسیعی از دانش آموزان متفاوت از حیث توانمندی و استعداد مواجه است. عدهای موفق و مشتاق یادگیری، برخی دچار افت تحصیلی و بدون انگیزه برای یادگیری این سؤال همیشه مطرح بوده است که چرا عدهای از دانش آموزان بهرغم برخورداری از امکانات آموزشی و رفاهی مناسب و حتی هوش سرآمد در دورههای تحصیلی با شکست مواجه میشوند. گلمن معتقد است هوش هیجانی میتواند علت این تفاوتها باشد. یکی از ایراداتی که میتوان از نظام آموزشی ما گرفت این است که صرفاً بر توانایی تحصیلی تأکید میشود و ابعادی از هوش مانند هوش هیجانی، هوش معنوی، هوش فرهنگی و... نادیده گرفته میشود در حالیکه به نظر میرسد ابعاد مختلف هوش در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نقش دارد. هوش هیجانی آخرین تحول در درک رابطه میان تفکر و عاطفه است. هوش فرهنگی واقعیتهای عملی را تصدیق میکند و بر زمینهای بین فرهنگی تمرکز مینماید و واژه هوش معنوی یکی از مفاهیم جدید جذاب و بحثبرانگیزی است که دربرتو و عالقه جهانی محققان صاحب نظران و بهویژه روان شناسان به حوزه دین و معنویت مطرح شده و توسعه پیدا کرده است از سوی دیگر، هوش هیجانی موجب بهبود روابط اجتماعی و کنترل عواطف و احساسات میگردد. بدین ترتیب فرد بهسوی کمال حرکت میکند. از نظر جامعه شناسان یک پدیده زمانی به مسئله اجتماعی تبدیل می‌شود که بخش وسیعی از افراد جامعه را دربر گیرد و اکثر افراد از آن رنج ببرند. امروزه ناسازگاری، بی‌مسئولیتی، عدم رعایت هنجارهای اجتماعی، همکاری و مشارکت جوانان از جمله نگرانی‌های عمده‌ای است که در محافل مختلف علمی مورد بحث قرار گرفته است که همایش‌های مختلف آسیب‌شناسی جوانان نمونه‌ای از آن است. عدم سازگاری جوانان ناشی از جامعه‌پذیری ناقص و عدم رشد اجتماعی کافی آن‌هاست که موجب شده است افراد نتوانند قواعد رفتارهای اجتماعی را فرا گیرند. از طرف دیگر دلیل پرخاشگری‌های دانش‌آموزان، عدم شرکت آن‌ها در کارهای گروهی و عدم رعایت هنجارها توسط آن‌ها را که یک معضل عمده در جامعه است می‌توان نمودن رشد جسمانی آنها با رشد عاطفی و اجتماعی دانست. کارهای فردی (علمی، هنری، ورزشی و غیره) در ایران بهتر از کارهای گروهی نتیجه می‌دهند و این امر در سال‌های اخیر به اثبات رسیده است. وقتی سخن از عزت نفس به میان می‌آید ارزش شخصی یا احساسی که از فرد در نظر اعضای گروه مجسم می‌شود مطرح می‌گردد. یکی از پیچیده‌ترین و ناراحت کننده‌ترین مسائل شخصیتی عقده حقارت است. کودکانی که احساس بی‌لیاقتی و عقب‌ماندگی می‌کنند کمتر برای موفقیت و انجام دادن کارها به تلاش و کوشش دست می‌زنند. رشد سالم شخصیت ایجاب می‌کند که شخص نه فقط برای شناخت خود، بلکه بیشتر برای پذیرش خود فعالیت کند پژوهش‌های ارزشمندی درباره‌ی ارتباط خودشناسی فرد در رابطه با رشد سالم و سازگاری‌های شخصیتی افراد انجام گرفته و نتایج مثبت و سودمندی به بار آورده است (پارسا، ۱۳۷۶) بنابراین تأثیر بالا بودن عزت نفس بر میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و افزایش اشتیاق آنان به درس و مدرسه بر کسی پوشیده نیست، مقوله‌ی عزت نفس با عوامل دیگری همچون اضطراب اجتماعی و درون‌گرایی و برون‌گرایی در ارتباط است تأثیر مستقیم بر موفقیت تحصیلی دارند که توضیح و بررسی این موارد را در مقاله‌های دیگر انجام خواهیم داد تا کمکی در جهت افزایش موفقیت تحصیلی دانش آموزان داشته باشیم.

منابع

- اسماعیلی، معصومه (۱۳۸۳). بررسی تأثیر آموزش مولفه‌های هوش هیجانی (آگاهی‌های درون فردی، آگاهی‌های بین فردی، مهارت‌های مقابله‌ای و ...) بر افزایش سلامت روان. رساله دکتری تخصصی (Ph.D.) در رشته مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی.
- حسینی واجاری، ک. (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین مقابله مذهبی و خوشبختی معنوی با سلامت روان زنان و مردان. پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- سانتراک، جان. (۲۰۰۳). زمینه روانشناسی. ترجمه مهرداد فیروزبخت (۱۳۸۳). تهران: نشر رسا، جلد دوم.
- سهرابی، فرامرز. (۱۳۸۷). مبانی هوش معنوی. فصلنامه سلامت روان، شماره ۱، صص ۱۸-۱۴.

- صید، سعیده. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین مولفه‌های هوش هیجانی مادران با مهارت‌های اجتماعی کودکان پیش دبستانی منطقه یک شهرستان کرج. پایاننامه، کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ضیغمی، لعلیا. (۱۳۸۹). رابطه بین هوش معنوی و تعهد سازمانی در کارکنان سازمان کار و امور اجتماعی استان تهران. پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- محمدتبار، سمیه. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین رفتار شهروندی سازمانی، هوش هیجانی و رضایت شغلی کارکنان شرکت هفت الماس. پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- منصوری، بهزاد. (۱۳۸۰). هنجاریابی آزمون هوش هیجانی سیبریاشترینک برای دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های دولتی مستقر در تهران. پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی
- براهنی، محمد تقی، سعید، شاملو، یوسف (1373)، زمینه روانشناسی هیلگارد اتکینسون، ج دوم، انتشارات رشد
- بزرگی، فهیمه، کار عمل روش تحقیق، (1380) رابطه وضعیت اقتصادی خانواده با رشد اجتماعی دانش آموزان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول
- پور افکاری، نصرت الله (1375)، کاپلان، خلاصه روانپزشکی علوم رفتاری، روانپزشکی بالینی، انتشارات شهر آب
- یاسایی، مهشید، مترجم، (1373)، پاول، هنری، ماسن و همکاران، رشد و شخصیت کودک، انتشارات کتاب ماد
- Amram, J. (۲۰۰۵). Intelligence beyond IQ: The contribution of emotional and spiritual intelligence to effective business leadership instance of transpersonal psychology
- Amram, J. (۲۰۰۷). The seven Dimension of spiritual intelligence: An ecumenical, grounded theory. San Francisco: Institute of transpersonal psychology, American Psychological Association
- Amram, J. (۲۰۰۹). The contribution of emotional and spiritual intelligence to effective business leadership. Doctoral Dissertation in clinical psychology, Institute of Transpersonal psychology, California, Palo Alto
- Bar-on R. (۲۰۰۶). The Baron model of emotional-intelligence (ESI). Psicothema, ۱۸, p۱۸, ۱۳۲۵.
- Bastian, V. A., Burns, N. B., Nettelbeck, T. (۲۰۰۵). Emotional intelligence predicts